

## کارکردهای اجتماعی وحدت در اندیشه امام خمینی علیه السلام بر اساس رویکرد وحدت سیاسی

سید ابوالحسن نواب<sup>۱</sup>  
جواد حقیر مددی<sup>۲</sup>

### چکیده

امام خمینی علیه السلام یکی از شخصیت‌های برجسته و موثر جهان اسلام است که در قرن حاضر جهت ارتقای وضعیت موجود مسلمانان تاکید بسیاری به وحدت کرده است به نحوی که شاید بتوان گفت امر وحدت یکی از مهمترین اندیشه‌های سیاسی ایشان قبل از انقلاب و به ویژه بعد از انقلاب می‌باشد. از آنجا که وحدت در جهان معاصر اسلام به دو نوع وحدت تقریبی و وحدت سیاسی مطرح شده است لازم است که اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام که داعیه دار امر وحدت میان مسلمانان است از این جهت بررسی شود. یکی از راه‌های بررسی این مقوله تطابق کارکردهای وحدت از منظر امام خمینی علیه السلام با این دو نوع اندیشه وحدتی می‌باشد. بر این اساس این مقاله قصد دارد با روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به سخنان، نامه‌ها و پیام‌های ایشان این مقوله را بررسی کند. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد کارکردهای مطرح شده از منظر امام خمینی علیه السلام با اندیشه وحدت سیاسی مسلمانان تطابق بیشتری دارد.

### واژگان کلیدی

وحدت سیاسی، وحدت تقریبی، امام خمینی، کارکردهای اجتماعی وحدت

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

Email: abulhassan.navvab@gmail.com

۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب

Email: javad.madadi@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶

## طرح مسأله

امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی و از شخصت‌های برجسته وحدت‌گرایی جهان معاصر اسلام است که توجه ویژه‌ای به وحدت مسلمانان و اخراج استمعاگران از سرزمین‌های اسلامی داشت به طوری که تاکید و اهتمام ایشان برای تحقق وحدت بر هیچ کس پوشیده نیست. از آنجا که رویکرد وحدت در ادبیات جهان امروز اسلام به وحدت سیاسی و تقریبی تقسیم شده است ضروری به نظر می‌رسد اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام با توجه به اینکه ایشان نقش برجسته‌ای در متبلور کردن این موضوع در جهان معاصر دارد بازخوانی و رویکرد ایشان در این خصوص روشن شود. یکی از راه‌های رسیدن به رویکرد کلی ایشان در خصوص وحدت تحلیل کارکردهای اجتماعی وحدت است اگر چه ممکن است در هر دو رویکرد (وحدت سیاسی و وحدت تقریبی) کارکردهای یکسان باشد اما علاوه بر اینکه کارکردهای این دو رویکرد مساوی نیستند درجات این کارکردها در این دو رویکرد یکسان نمی‌باشد. به عبارت دیگر ممکن است یک کارکرد در رویکرد تقریبی وحدت بسیار مهم و برجسته باشد در حالی که همان کارکرد در رویکرد سیاسی وحدت اگر چه محقق است اما از اهمیت چندانی برخوردار نباشد.

از این رو، این پژوهش قصد دارد با بازخوانی کارکردهای مهم وحدت در اندیشه امام خمینی علیه السلام با روش تحلیلی - توصیفی روشن کند که رویکرد کلی وحدت از منظر امام خمینی علیه السلام چه بوده است. در این میان با وجود اینکه در خصوص مقوله وحدت در اندیشه امام خمینی علیه السلام پژوهش‌های مختلف و متنوعی در چرایی و تشریح آن انجام شده است اما استفاده از این روش برای استخراج اندیشه ایشان امری تازه و بدیع است و هیچ پژوهشی تاکنون مقوله وحدت در اندیشه امام خمینی علیه السلام را با این نگاه بررسی و تشریح نکرده است. بر این اساس برای تشریح این مقوله نخست مفاهیم وحدت سیاسی و وحدت تقریبی تعریف می‌شود و سپس به مهمترین کارکردهای وحدت که مورد توجه امام خمینی علیه السلام بوده است و در کلام ایشان بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است اشاره و تشریح می‌شود.

## وحدت اسلامی

واژه «وحدت»، از ریشه «وَحَدَّ» و به معنی انفراد، یگانه شدن، یکتایی، یگانگی و تنهایی، یکی بودن و اتحاد است (دهخدا، واژه وحدت). منظور از وحدت اسلامی همکاری،

هماهنگی و هم دلی پیروان مذاهب اسلامی بر اساس مبادی و اهداف مشترک و در عرصه‌های مختلف به همراه اتخاذ موضع عملی واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع گیری در برابر دشمنان اسلام و احترام و التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود است (آقانوری، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۷).

### وحدت تقریبی

تقریب در لغت به معنای نزدیک گردانیدن و گرد هم آمدن است که متضاد آن بعد و دوری است. (دهخدا، واژه تقریب) در اصطلاح، تقریب در مفهوم عام تلاش علمای اسلامی برای نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی با هدف شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به اخوت دینی براساس اصول و مشترکات اسلامی؛ یعنی اعتقاد به خدا، وحدانیت خدا، نبوت پیامبر و اعتقاد به معاد است و در مفهوم خاص حرکتی است که علمای مذاهب اسلامی آن را پایه گذاری کرده‌اند و هدف از آن نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلاف و گاه خنثی کردن دشمنی مسلمانان به منظور متحد کردن آنان است. بنابراین تقریب به معنای همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی فراوان و عدم توجه به اختلاف و معذور دانستن یکدیگر به اختلافات طبق اصل «للمصیب اجران و للمخطی اجر واحد» و همچنین اصل برادری و دوستی به عنوان مسلمان طبق آیه «انما المومنون اخوه» در زندگی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی پیروان سایر مذاهب است (آصف محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

### وحدت سیاسی

منظور از وحدت سیاسی نه چیزی در مقابل وحدت تقریبی بلکه وحدت بر اساس مصالح عمومی جامعه اسلامی و امت اسلامی یعنی مصلحت کلی مردم در درون جامعه اسلامی می‌باشد. وحدت در این بُعد رنگ سیاسی به خود می‌گیرد. به همین جهت از این نوع وحدت به طور عمده تحت عنوان وحدت سیاسی امت اسلامی یا جامعه اسلامی یاد می‌شود. خصوصیتی که این وحدت دارد و باعث شده است از وحدت تقریبی جدا شود این است که در این نوع وحدت مباحث اعتقادی و ایدئولوژیکی در راستای تحقق وحدت مطرح نیست و اصل تحقق وحدت تامین مصالح عمومی جامعه اسلامی است.

## کارکردهای اجتماعی وحدت از منظر امام خمینی علیه السلام

### نمایش قدرت امت اسلامی در حج ابراهیمی

مراسم سالانه حج و گردهم آیی میلیون‌ها انسان مسلمان در حرمین شریفین و انجام مراسم عبادی سیاسی حج علاوه بر اینکه نقش بسیار مهمی در تحقق وحدت اسلامی دارد، شکوه و عظمتش نیز می‌تواند یکی از کارکردهای تحقق وحدت میان مسلمانان باشد. این مراسم به معنای اجتماع معنوی و باشکوه امت مسلمان از هر رنگ و نژاد و سرزمین و مذهب مختلف برای عرض بندگی به درگاه پروردگار یکتا با گفتار و کردار و ظاهر یکسان و عمل به سنت پیامبر واحد و طواف به گرد قبله مشترک و لیک گفتن به ندای توحید در صفوف یکپارچه، بستری بسیار مناسب برای تحقق وحدت و شکل‌گیری امت اسلامی می‌باشد. تحقق این تجمع پربرکت، نیروی بسیاری را در اختیار جهان اسلام قرار می‌دهد تا درباره مسائل گوناگون جهان اسلام، اطلاع‌رسانی و روشنگری بهتری صورت گیرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام، از ابتدای تشریح حج در اسلام، همواره از حج به عنوان پایگاهی برای انتقال معارف دین و اطلاع‌رسانی به مسلمانان بهره می‌بردند (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۵).

بر اساس آنچه از اندیشه امام خمینی علیه السلام می‌توان برداشت کرد عدم آشنایی مسلمانان به همه ابعاد اسلام که باعث دوری و تفرقه و اختلاف بین آنها شده است و باعث ایجاد مانع بزرگی در شکل‌گیری امت قدرتمند اسلامی شده است یکی از مهمترین مشکلات جامعه اسلامی است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲/۲۷۷) ایشان در یکی از پیام‌های خود به کنگره عظیم حج، با تأکید بر این نکته فرمودند: «عید سعید و مبارک، در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام، تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهان‌خواران بیرون آیند و این مقصد بزرگ، زمانی میسر است که ابعاد مختلف احکام اسلام را بتوانند به ملت‌های زیر ستم ارائه دهند و ملت‌ها را با اسلام آشنا کنند ... و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

ایشان در چارچوب اندیشه اسلام ناب خود که سیاست را یکی از ابعاد مهم اسلامی می‌دانست از مناسک حج نیز تفسیری سیاسی داشت و آن را با مفاهیمی همچون: مبارزه با شیاطین، بت‌ها و طاغوت‌های زمان همراه می‌کرد و همه این مفاهیم را تحت تحقق امت

واحدۀ اسلامی که از شاهراه وحدت و همبستگی اسلامی عبور می‌کند تبیین می‌کند. (همان: ۱۵۴؛ ۱۲۲؛ ۱۸۴ و ۱۸۵؛ ۲۵۰).

آنچه در اندیشه ایشان در خصوص ابعاد حج مورد توجه است این است که ایشان با تمسک به اصل مصلحت اجتماعی مسلمین در خصوص مسأله حج همواره تأکید می‌کردند که در آن باید مسائل جهان اسلام مطرح شود (همان: ۲۶، ۱۳۶، ۱۳۷) تا هویت بین‌المللی مسلمانان (امت واحده) تقویت شود و بیداری اسلامی علاوه بر ابعاد سیاسی در جهات سازندگی عملی نیز وارد شود (همان: ۱۱، ۲۶، ۵۶، ۷۴، ۱۱۱، ۱۷۰، ۱۶۷، ۲۵۵).

امام خمینی علیه السلام حج را نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار اجتماعی سیاسی اسلام می‌دانست (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۰/۳۴۳) ایشان همواره در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به ابعاد اجتماعی - سیاسی حج اشاره می‌کردند و حج را یکی از ابزارهای مهم جهان اسلام برای تحقق وحدت و همبستگی جهان اسلامی می‌دانستند. بر همین اساس ایشان همبستگی را یکی از فلسفه‌های مهم حج بر می‌شمردند و زائران خانه خدا را در پیام و سخنرانی‌های خود به این امر فرا می‌خواندند (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۵-۳۳).

بر اساس آنچه بیان شد و با توجه به ظرفیت حج می‌توان نتیجه گرفت که حج از دو جهت بتواند کارکرد قدرت امت اسلامی را نمایان سازد و امت اسلامی را به سمت آن سوق دهد اولین جهت تقویت هویت تمدنی جهان اسلام است. در واقع شاید بتوان گفت همانطور که امام خمینی علیه السلام بارهای به مسأله جهان اسلام در صدر اسلام اشاره می‌کردند و آن را الگوی بسیاری خوبی برای جهان اسلامی کنونی بر می‌شمردند تبیین و تشریح هویت تمدنی اسلام در طول اعصار گذشته مخصوصاً صدر اسلام و حتی در برخی دیگر از مقاطع تاریخ اسلام می‌تواند زمینه ساز همبستگی عاطفی و عقلانی مسلمانان که نتیجه آن تحقق امت واحد و قدرت امت اسلامی است باشد.

جهت دیگری که می‌تواند این کارکرد حج را متبلور کند جهتی است که نقش بسیار برجسته‌ای در ایجاد تفرقه و اختلاف میان مسلمانان دارد و آن جهت چیزی نیست جز ملیت‌گرایی. به عبارت دیگر رنگ باختن ملیت‌گرایی در حج که نمود بسیار آشکاری در حج دارد چرا که همه مردم در هر سطح و طبقه و ملیتی باید در یک نوع عمل خاص در یک زمان خاص انجام دهند، می‌تواند جهان اسلام را به تحقق امت اسلامی نزدیک کند.

### تبلور قدرت امت اسلامی در تقویت هویت تمدنی

هویت تمدنی، معرفت و آگاهی عمیق انسان به تمدنی است که منسوب به آن است. درک چنین هویتی، به فرد، این امکان را می‌دهد که احساس کند در سرزمینی زندگی می‌کند که ریشه‌های فرهنگی آن، تا اعماق تاریخ کشیده شده است و این احساس، سبب تعلق ارتباط به آن تمدن و در نتیجه، شکل‌گیری «هویت تمدنی» می‌شود. احساس تعلق به یک تمدن، به معنای وابستگی به تمامی مظاهر آن تمدن و از جمله: مشاهیر، افتخارها، میراث‌ها و ارزش‌های آن است. نبود «هویت تمدنی»، زمینه‌ساز تأثیرپذیری منفعلانه از تمدن‌های موجود است (شرفی، ۱۳۸۱: ۸۲).

بر این اساس می‌توان گفت تحقق امت واحده و قدرتمند اسلامی بدون در نظر گرفتن مقوله «هویت تمدنی» آنچنان که امام خمینی علیه السلام با ادبیات خاص خود به آن توجه و تأکید داشتند امری بی معنا و مهمل است. در واقع همانطور که بیان شد امام خمینی علیه السلام چون تحقق هویت تمدنی را شرط تداوم تمدن می‌دانستند همواره به دنبال تحقق و توجه به تمدن جهان اسلام در صدر اسلام بودند. به نظر می‌رسد ایشان مقدمه و لازمه احیای یک تمدن و پیروزی آن بر تمدن رقیب، احیای هویت تمدنی قوی و قدرتمند گذشته می‌دانستند به عبارت دیگر ایشان هویت تمدنی را هم شرط ایجاد تمدن و هم شرط حفظ بقای آن می‌دانستند (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۳/۴۲۱، ۱۸/۴، ۱۲۴، ۱۵۱، ۴۴۷، ۴۲۶، ۳۱۵، ۲۶۸/۵، ۲۱۶، ۲۶۳، ۲۸۳، ۳۴۸ و...).

بر این اساس تشریح مسائل تمدنی در صدر اسلام و تبیین ابعاد آن برای مبارزه با کفر و الحاد و گسترش اسلام به تمام نقاط این کره خاکی از آنجا که در بسط سیره رسول مکرم اسلام، خلفا و حتی خلافت برخی امامان معصوم علیهم السلام قرار دارد می‌تواند تأثیر مهمی داشته باشد چرا که توجه به این مسائل در میان مسلمانان بسیار مهم و پراهمیت است. بنابراین اگر آنطور که مورد نظر امام خمینی علیه السلام بود آن تمدن عظیم و پرافتخار صدر اسلام در قالب سیره رسول گرامی اسلام و اصحاب ایشان برای جهان اسلام در قالب ظرفیتی که حج در اختیار مسلمانان قرار داده است تشریح شود انگیزه مسلمانان برای تغییر وضع موجود و تبدیل این امت پاره پاره اسلامی به امت واحده جهان اسلامی و نزدیک شدن به تمدنی که در سنت و سیره رسول گرامی اسلام وجود داشت بیشتر خواهد شد و راه تحقق امت واحده و قدرتمند جهان اسلام هموار تر خواهد شد.

در واقع آنچه در مساله حج بسیار مهم است و باید به آن توجه بیشتری شود جنبه‌های هویت تمدنی صدر اسلامی است که در خود مناسک حج وجود دارد. به بیان دیگر انجام مناسک حج در سرزمین وحی و مشاهده مشاعر مقدسه، زمینه‌ساز آشنایی حج‌گزار با ریشه‌های فرهنگی تمدن اسلامی است؛ او می‌تواند ریشه‌های تاریخی پیدایش تمدن خود را بشناسد، به ویژگی‌های بارز و برجسته تمدن اسلامی آگاهی یابد، با شخصیت‌های تمدن ساز بیشتر آشنا شود و از جایگاه تمدن خود در بین تمدن‌های دیگر، شناخت دقیق‌تری پیدا کند. امام خمینی علیه السلام در تشریح این مقوله و توجه به جنبه‌های هویت ساز حج عنوان می‌کنند «از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند، اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه، آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسالت پیامبر اکرم است. جای جای این سرزمین، محل نزول و اجلال انبیای بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنج‌ها و مصیبت‌های چندین ساله‌ای است که پیامبر اکرم در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور در این مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت و طاقت فرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنا می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۲۷).

همانطور که بیان شد امام خمینی علیه السلام به هویت تمدنی اسلام در صدر اسلام و دوره‌های اولیه آن توجه ویژه داشتند به نحوی که در بسیاری از سخنان و پیام‌های ایشان توجه به صدر اسلام و حتی بیان مزیت‌ها و ظرفیت‌های صدر اسلام و لزوم الگو گرفتن از آن زمان مشاهده می‌شود. بر اساس آنچه در کتاب صحیفه امام خمینی علیه السلام مندرج است ایشان حدود ۳۶۵ مرتبه از صدر اسلام برای تشریح بیانات خود استفاده کرده‌اند یکی از این موارد پیامی است که ایشان در ۱۲ شهریور سال ۱۳۶۲ (۲۵ ذی القعدة ۱۴۰۳) به مناسبت فرا رسیدن ایام حج خطاب به همه مسلمانان ایران و جهان دادند. امام خمینی علیه السلام با اشاره به عید قربان از این عید به عنوان عید فداکاری و جهاد در راه خداوند برای انسان‌ها یاد می‌کنند و عنوان می‌کنند «امید است حجاج محترم بیت الله الحرام، از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می‌باشند، در مواقف و مشاعر محترمه، دست جمعی برای پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنند؛ و برای بیداری مسلمانان و حکومت‌های آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ج ۱۸/ ۸۸-۸۷).

امام خمینی علیه السلام با نگاه تیز بین و عمیق خود به همه ابعاد اسلام به مساله حج نگاه ویژه ای داشتند به طوری که علاوه بر اینکه هر ساله در ایام حج پیامی خطاب به همه مسلمانان جهان صادر می کردند در ایام مختلف سال در خصوص مساله حج و فلسفه آن سخن می گفتند، سخنانی که درون مایه همه آنها وحدت و همبستگی جهان اسلام بود. این مساله نشان می دهد که وحدت و اتحاد دنیای اسلام در مقابل کفر برای ایشان بسیار مهم و ضروری بوده است. ایشان در پیامی که در سوم شهریور ماه سال ۱۳۶۳ (۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۴) منتشر کردند با توجه به مساله وحدت، لزوم اتحاد و همبستگی که در صدر اسلام وجود داشت عنوان کردند «بیت الله الحرام، اولین بیتی است که برای «ناس» بنا شده. این بیت همگانی است ... و برای قیام ناس و نهضت همگانی، و برای منافع مردمی بنا شده است و چه نفعی بالاتر و والاتر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود، و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد ... پس این بیت باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود، و منافع ناس را در همین مواقع شریف تأمین نمود، و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقع انجام داد (همان، ۱۹/۲۵-۲۴).

### تبلور قدرت امت اسلامی در نفی ناسیونالیسم

از آنجا که گستردگی اسلام بسیار است و در صدر اسلام، اسلام با تلاش‌ها و مجاهدات مسلمانان به غرب اروپا و شرق آسیا و قاره آفریقا رسید. مناطقی که هر کدام بوم و ملیت خاص خود را دارند. از آنجا که این قومیت و ملیت در صدر اسلام چندان نشانه و ظاهری نداشت و همه تحت لوای توحید و اسلام گرد هم می آمدند اتحاد و همبستگی میان مسلمانان بیشتر بود. اتحاد و همبستگی که تاثیر بسیار مهمی در قدرت و سیطره جهان اسلام بر دنیای آن روز داشت. از زمانی که بحث ملیت و قومیت در میان اسلام عموماً توسط غربیان و کشورهایایی که قصد استعمار کشورهای مسلمان را داشتند، مطرح شده است شعله نفاق و اختلاف در میان مسلمانان شعله ور تر شده است. مسائل قومی و ملیتی، از جمله مسائلی هستند که در هر گروه، ملت یا امتی باعث ایجاد اختلاف و ضعف می شوند اختلافی که تاثیر مستقیمی در ضعف و عقب ماندگی کشورهای اسلامی داشته است.

بنابراین پراکندگی جغرافیایی و فرهنگی جهان اسلام می تواند به عنوان مانعی در مسیر



هویت یابی مشترک و همبستگی جهان اسلام باشد. گذشته از این ارتباط بین اصول و فرهنگ اسلامی و ملی در بین کشورهای اسلامی همواره یکی از مباحث جامعه‌شناسی کلان جهان اسلام بوده است که در فضای سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی بسیار مؤثر بوده است. در واقع زمانی که ملی‌گرایی به عنوان ایدئولوژی در یک ملت قرار می‌گیرد مانعی اساسی در اتحاد مسلمین به وجود می‌آید مانند آنچه ما در خصوص عربیت و عجمیت در جنگ ایران و عراق مشاهده کردیم که یک کشور مسلمان به بهانه‌های واهی قومیتی به کشور مسلمان دیگری حمله کرد و با سکوت و یا حتی در برخی موارد با حمایت آنها مواجه شد. در حالی که اگر اسلام مبنای حرکت‌های سیاسی و اجتماعی قرار گیرد، تحقق امت اسلامی در مسیر تکامل قرار می‌گیرد و قدرت‌های استعماری را به شدت به چالش می‌کشد؛ زیرا «ناسیونالیسم فقط یک پیوند تاریخی و زبانی است نه یک فلسفه دارای اصول و نه یک منظومه اعتقادی» (صدر، ۱۴۰۸ق: ۱۳/۱۰ و ۱۴) بنابراین نمی‌تواند منبع فکری و اندیشه‌ای نهضت باشد. پس تحقق امت متحد و قدرتمند اسلامی باید مبتنی بر اصول فرهنگ و تمدن اسلامی بنا شود.

با وجود اینکه در خاورمیانه و کشورهای اسلامی تا قبل از ورود استعمارگران به این منطقه عموماً چیزی جز اسلام و مسلمانی نبود و عمدتاً مذهب‌ها مرزهای جغرافیایی را تشکیل می‌دادند اما بعد از جنگ جهانی اول، با توطئه انگلیس، امپراتوری عثمانی تجزیه شد و ناسیونالیسم‌های ترک، فارس و عرب در جهان اسلام پدیدار گشت (میکل، ۱۳۸۱: ۲/ ۵۴۷-۵۸۶). پس از برچیده شدن امپراتوری عثمانی، با حذف نظام خلافت در سال ۱۹۲۴، راهی اساسی در حذف دین از صحنه عمومی جامعه اسلامی باز و این ایده تقویت شد که هویت‌های ملی نهفته در دولت‌های ملی تنها شکل معتبر اجتماع سیاسی است (سعید، ۱۳۹۰: ۷۱-۱۰۱). در این میان هرچند ناسیونالیسم در ابتدا در پاسخ به احساس سرخوردگی و ضعف فرهنگی در برابر غرب بود و بر فرهنگ بومی تأکید داشت ولی عملاً به رواج تشریفات غربی منجر شد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۶۲: ۳۰۸).

در این میان دین اسلام که این چنین اتفاقاتی را پیش‌بینی می‌کرد از همان آغاز بر نفی قومیت و ملیت تأکید کرد و برنامه اجرایی بسیار مهمی برای تامین این مهم قرار داد و آن را برای همه مسلمین به عنوان فریضه قرار داد. آن برنامه چیزی جز حج نیست. از آنجا که امام

خمینی یک فقیه متعهد به اسلام بود و همواره به دنبال اجرای اسلام ناب محمدی بود اسلامی که بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه اطهار باشد طبیعی است که در حوزه نژاد پرستی و مسائلی از این گونه که انسان‌ها را بر اساس نژاد، رنگ، مکان جغرافیایی یا ... طبقه بندی می‌کند همانگونه که اسلام طرح کرده است مخالف باشد. قبل از اینکه این مساله بخواهد در حوزه اندیشه سیاسی و مسائل وحدت در جهان اسلام مطرح شود اساس این مساله اعتقادی است و در اندیشه اسلامی به طور کلی هیچ کدام از این امور نشانه برتری افراد بر دیگران نیستند (بر اساس (حجرات (۴۹): ۱۳) ﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است). امام خمینی با استناد به قرآن و سنت رسول اکرم ﷺ طرح عرب و عجم و مسائلی از این دست را مخالف اسلام می‌دانست و معتقد بود تنها میزان در اسلام تقواست (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱/۳۷۸).

امام طرح مباحث قومیتی و نژاد پرستی در ممالک اسلامی را اندیشه شومی عنوان می‌کرد که به اسلام و وحدت مسلمانان چنگ انداخته است و جامعه اسلامی را به خطر انحطاط کشانده است. ایشان طرح این گونه مباحث را نقشه شوم استکبار برای تکه تکه کردن ممالک اسلامی می‌دانست و همواره عنوان می‌کرد که اسلام با این گونه سخنان مخالف است و مسلمان هر جا که باشند و هر گونه که باشد مسلمان‌اند و هیچ فرقی بین یک مسلمان عرب و مسلمان فارس و یا مسلمان ترک یا لر و ... نیست (همان، ۳۷۸-۳۷۷).

همانطور که عنوان شد فریضه حج را به واقع باید از منظر نفی نژاد پرستی و مسائل قومیتی مورد نظر قرار داد. اینکه در این عمل پر ارزش و مهم اسلامی همه مسلمانان هر آنگونه که هستند، فقیر یا غنی، عرب یا عجم، ترک یا فارس و ... باید در کنار هم اعمال متعددی را انجام دهند طرحی نوین برای زودن این گونه مسائل تفرقه انگیز است. مساله‌ای که امام خمینی نیز به آن توجه داشته است و در برخی از پیام‌ها و سخنان خود آن را به دیگر مسلمانان مخصوصاً دولتمردان کشورهای اسلامی گوشزد می‌کرده است.

توجه امام خمینی به مساله نژاد پرستی و قومیت که دقیقاً اتحاد و وحدت مسلمین را

نشانه گرفته بود و به هیچ وجه یک مساله‌ای که در لوای تقریب بخواهد حل شود نبود بعد از تحقق انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران ادامه داشت چرا که اندیشه امام خمینی نه اصلاح ایران بلکه کل جامعه مسلمین و ایجاد وحدت میان آنها بود.

### استقلال جهان اسلام

به دلیل استفاده فراوان امام خمینی علیه السلام و توجه بسیاری زیاد ایشان به این مفهوم، این مفهوم یکی از اساسی‌ترین مفاهیم اندیشه سیاسی امام در سطح جهان اسلام و مخصوصاً کشور ایران بود. استعماری که دقیقاً در مقابل استقلال قرار دارد و مساله‌ای است که در جهان امروز استقلال سیاسی کشورها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و بیشتر منافع اقتصادی کشورهای مستعمره را در خدمت کشورهای استعمارگر قرار می‌دهد و باعث عقب افتادگی، فقر و انحطاط در کشورهای مستعمره می‌شود.

از نظر واژه‌شناسی استقلال کلمه‌ای است عربی و مصدر باب استفعال از ماده «ق ل ل» است و با واژه‌هایی چون قلیل، قلت و تقلیل مرتبط است و در معنی، کم کردن و به حداقل رساندن می‌باشد که در بعد سیاسی آن به معنای این است که ملت استقلال طلب می‌خواهد و وابستگی‌ها را تحلیل بدهد و اتکای به دیگران را به حداقل برساند (ابن منظور، ۱۹۸۷: ۱۱/۲۸۷-۲۸۹). این در حالی است که معنای این کلمه در علوم سیاسی نیز نزدیک به معنای لغوی این کلمه است بر این اساس معنای استقلال در علوم سیاسی نیز داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت یک کشور است (فارسی، ۱۳۷۴: ۵۴) یا جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه خارجی (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۸۳: ۱۵۴) و آزادی اراده ملی برای اداره امور داخلی و خارجی خود که از خلال سازمان سیاسی دولت پدیدار می‌شود (علی بابایی، آقایی، ۱۳۶۵: ۲/۴۵، ۶۱).

اهمیت این مساله در اسلامی که نگاه اجتماعی و سیاسی عمیقی دارد باعث شده است که این مفهوم با دو مفهوم «دارالاسلام» و «دارالکفر» تبیین و تشریح شود چرا که چون اسلام فرا منطقه‌ای و قومیتی است و حیطه گسترش اسلام فراتر از مرزبندی‌های جدید جغرافیایی است، مرزبندهای جدید بر اساس قوم و ملیت ملاک مناسبی برای جدایی نمی‌داند و ملاک دارالاسلام و دارالکفر را، اجرا و عدم اجرای قوانین الهی عنوان می‌کند. بر این اساس دارالاسلام به سرزمینی گفته می‌شود که شریعت اسلامی در آن پیاده می‌شود

و حاکم مسلمانی بر آن حکمرانی می‌کند و همه افراد جامعه در برابر حکومت اسلامی تسلیم هستند. و دارالکفر به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که احکام اسلامی در آن جاری نیست و مسلمانان در آنجا حاکمیت و سلطه ندارند. براساس این مرزبندی است که قرآن مسلمانان را از خطر وابستگی برحذر داشته و دستیابی به استقلال را در آیات زیادی بیان می‌کند (زحلی، ۱۹۳۲: ۱۸۲-۱۸۰).

عزت مسلمانان یکی از مسائلی است که اسلام به آن تاکید دارد چرا که اسلام با منسوخ کردن ادیان و کتاب‌های الهی قبلی تنها راه نجات انسان و اتصال به خداوند را در پیروی از اسلام عنوان می‌کند. از همین رو چون خداوند عزیز است و همه عزت و برتری ویژه خداوند است ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ عزت به تمامی از آن خداست و مشرکان و معبودانشان هیچ نصیبی از عزت ندارند، و اوست که سخنان آنان را می‌شنود و به حال تو و آنان آگاه است و هرگاه بخواهد آنان را به سزای کردارشان می‌رساند (یونس (۱۰): ۶۵). پس هر کسی که در روی زمین از او و دستوراتش پیروی می‌کند نیز مانند او باید عزیز باشد.

بنابراین در خصوص مساله عزت مسلمین باید گفت که چون همه عزت و سربلندی برای خداوندی است که قاهر بر همه چیز و قدرتمند از همه است لذا هر کسی که به خداوند به هر نحوی منتسب می‌شود باید عزیز باشد و به عبارت دیگر عزت داشته باشد و چون مسلمانان از همه انسان‌ها به واسطه پیروی از آخرین دین خداوند نزدیک‌ترند باید از همه عزیز تر و قدرتمندتر باشد و به نحوی نباشند که غیر مسلمانان و آنانی که به قدرت قاهره خداوند اعتقاد ندارد بر آنها حکمرانی کنند و برتر و عزیز تر از مسلمانان باشند.

مفهوم دیگری که در قرآن در خصوص مساله استقلال مطرح شده است و یک قاعده فقهی در فقه را شکل داده است مفهوم نفی سییل کافران بر مسلمانان و مفاهیم وابسته به آن است. قرآن کریم در واقع به انحاء مختلف به مساله عدم تسلط بیگانه بر مسلمانان پرداخته است و در آیه ۱۴۱ سوره نساء به طور مستقیم به این مساله پرداخته است و در جایی دیگر مانند آیات ۵۲-۵۲ سوره مائده به مساله نپذیرفتن سلطه و سرپرستی کافران و همچنین در آیات ۱۴۹ و ۱۵۰ سوره آل عمران به مساله پیروی نکردن از اهل کتاب و مشرکان اشاره کرده است.

بر اساس (نساء (۴): ۱۴۱) ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾؛ هرگز خداوند برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است. خداوند کمترین سلطه‌ای را برای

کافران بر مؤمنان تشریح نکرده و هرگونه پیمان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را که موجب سلطه کافران و وابستگی مسلمانان گردد حرام و باطل شمرده است (شکوری، ۱۳۶۱: ۳۲۹-۳۲۵). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه عنوان می‌کند «معنای این آیه این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به عکس نمی‌شود... احتمال هم دارد که نفی سبیل اعم از تسلط در دنیا باشد یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا مسلط بر مؤمنین می‌شوند و نه در آخرت، و مؤمنین به اذن خدا دائما غالبند، البته ما دامی که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۱۸۹) بر اساس این آیات و تفسیری که علامه طباطبایی از این آیات ارائه کرده است روشن است که خداوند قوانین اسلام را به نحوی تبیین کرده است که اگر مومنان و مسلمانان به آن عمل کنند قطعا برتر خواهند بود این وعده‌ای است که قرآن به مسلمانان داده است.

آیه نفی سبیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است: جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه جامعه اسلامی و حاکمان آن در حفظ استقلال و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است و جنبه سلبی آن ناظر به نفی سلطه بیگانگان بر سرنوشت سیاسی اجتماعی مسلمانان است (شکوری، ۱۳۶۱: ۴۰۰-۳۸۵). به هر حال تاریخ شیعه نشان می‌دهد که قاعده نفی سبیل که یک قاعده قرآنی است و به طور واضح و روشن مساله استقلال مسلمین و نفی سلطه و برتری کشورهای غیر اسلامی را بر آنها نشانه گرفته است در فقه سیاسی اسلام کاربرد گسترده‌ای دارد و فقها و علمای طراز اول شیعه، با الهام گرفتن از قاعده نفی سبیل، بارها مسلمانان را از افتادن در دام سلطه استعمارگران نجات داده‌اند. از نمونه‌های بارز به کارگیری این قاعده، نهضت تحریم تنباکو است که در مقابله با استراتژی استعماری بریتانیا برای تسخیر و قبضه اقتصاد ایران، توسط عالمان دینی به رهبری مرجع تقلید زمان، میرزا محمد حسن شیرازی شکل گرفت. فتوای تحریم تنباکو که بر گرفته از قاعده نفی سبیل بود، استعمار انگلیس را در ایران، درهم شکست و مرحله‌ای مهم در بیداری مردم ایران در برابر استکبار و استبداد را رقم زد.

بنابراین می‌توان گفت اندیشه ضد استعماری و لزوم استقلال کشورهای اسلامی امام خمینی علیه السلام بر اساس آیات قرآنی بوده است و قطعا فهم صحیح امام خمینی علیه السلام از مجموعه آیاتی که در خصوص استقلال در قرآن مطرح شده است و همچنین روایات ائمه معصومین بوده است که باعث شده بود ایشان در طول عمر خویش با تاکید فراوان بر مساله استقلال

کشورهای اسلامی و نفی استعمار در کشورهای اسلامی به دنبال عزیز کردن اسلام و مسلمانان و نفی سلطه کفار و ستمگران بر مومنین باشند.

بر این اساس می‌توان گفت شاهره‌ای تحقق استقلال در کشورهای اسلامی یا جامعه بزرگ اسلامی چیزی جز تحقق وحدت نیست. اگر وحدت در کشورهای اسلامی محقق شود همانطور که امام خمینی علیه السلام بارهای به آن اشاره می‌کند جامعه اسلامی، عزیز و سربلند می‌شود و این عزت و سربلندی حاصلی به جز استقلال نخواهد داشت.

تاکید و توجه امام خمینی علیه السلام بر مساله استقلال باعث شد که یکی از اصول مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور باشد. در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی امام خمینی و ولایت فقیه، اصل استقلال از چنان ارج و منزلتی برخوردار گردید که همراه اصل آزادی در کنار اسلام، به‌عنوان اصل تشکیک‌ناپذیر، به قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد شد و حفظ استقلال وظیفه آحاد ملت و دولت و کارویژه اصلی سیاست کشور تلقی گردید (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۹).

به هر حال اهمیت این واژه نزد امام خمینی به اندازه‌ای بود که بر اساس آنچه در کتاب صحیفه امام ثبت و ضبط شده است این واژه حدود ۹۰۲ بار تکرار شده است که در این بین حدود ۴۸ مورد آن همراه با کلمه وحدت بوده است (امام خمینی، ۱۳۷۰).

امام خمینی علیه السلام در اعلامیه مشترکی با دیگر آیات عظام محمد هادی الحسینی المیلانی، شهاب‌الدین النجفی المرعشی، حسن الطباطبایی القمی به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۳ با اشاره به این مطلب که علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمة اسلام دفاع کنند و همچنین از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکاریها و ظلمها اظهار تنفر کنند، از پیمان با دشمنان اسلام و استقلال و ممالک اسلام اظهار انزجار کنند. ایشان در این اعلامیه اتحاد و وحدت ممالک اسلامی را تنها راه استقلال و دفاع از احکام اسلام عنوان کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱/۳۳۶).

امام خمینی علیه السلام آنچنانکه در قبل از پیروزی انقلاب به استعمار زدگی ممالک اسلامی توجه داشتند و همواره وحدت را تنها راه زدودن استعمار از ممالک اسلامی می‌دانستند بعد از پیروزی انقلاب نیز بر همین عقیده بودند و همواره در سخنان خود به این مساله اشاره می‌کردند ایشان در جمع نمایندگان مجلس قطر در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۵۹ با اشاره به این مطلب که سیاست استعمار

در جدا کردن ملتها از اسلام و قرآن است عنوان کردند «اتکال به خدا، برای خدا و وحدت کلمه، وحدت کلمه و وحدت غرض [و] مقصد. از هر کس می پرسیدند، مقصد این بود که حکومت اسلام باشد. مقدمه این بود که حکومت طاغوت نباشد؛ مقصد این بود که استقلال و آزادی در پناه حکومت اسلامی باشد» (همان، ج ۶، ۳۳۹-۳۳۸).

ایشان در جایی دیگر در پاسخ به پیام معمر قذافی رهبر لیبی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ با اشاره به مساله ضرورت تحقق وحدت میان کشورهای اسلامی عنوان کردند «ملت‌ها و دولتها اگر بخواهند به پیروزی و هدف‌های اسلامی به تمام ابعادش که سعادت بشر است برسند، باید اعتصام به جبل‌الله کنند، از اختلافات و تفرقه پرهیزند ... مسلمین باید برای به دست آوردن استقلال و آزادی این کلید پیروزی را به دست آورند و برای وحدت کلمه کوشش کنند» (همان، ۷/ ۱۷۰) امام خمینی علیه السلام بار دیگر در پیامی به مسلمانان جهان به مناسبت ایام حج به آنها توصیه‌ها و تذکراتی دادند که در یکی از تذکرات به مساله وحدت مسلمین و تحقق استقلال کشورهای اسلامی از کشورهای استعمارگر اشاره کردند ایشان در این پیام خود بیان کردند: «دولتهای اسلامی منطقه و حواشی آن می‌توانند یک ارتش ذخیره ده‌ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت یک پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند، که این نیز فوق قدرتهاست. و امید است دولتهای منطقه، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم اسلام در این امر فکر کنند و طرح آن را بریزند؛ و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند، و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند.» (همان، ۱۸/ ۹۴)

### آزادی فلسطین و مسجد الاقصی

مسئله فلسطین یکی از مهمترین مسائل قرن حاضر جهان اسلام است. این مساله به دلیل اهمیت آن بازتاب‌های متعدد و گسترده‌ای را در سراسر جهان تاکنون به دنبال داشته و یکی از واکنش‌های مهم در قبال این رویداد، برخوردی است که از جانب روحانیت اسلام و مخصوصاً علمای شیعه صورت پذیرفته است و بدون هیچ تغییری، در طول هفتاد سال گذشته ادامه یافته است. در واقع همین برخورد روحانیت شیعه بوده است که باعث شده مساله فلسطین و اشغال آن توسط صهیونیسم به عنوان یک نقشه شوم استعمار در جهان امروز مساله‌ای ناشناخته نباشد. مساله‌ای که امام خمینی علیه السلام از همان آغاز نسبت به آن

حساس بودند و همواره تلاش می‌کردند برای مسلمانان جهان ابعاد مختلفی از این جریان را تبیین کنند. روشنگری‌های امام خمینی علیه السلام در جهان اسلام علاوه بر اینکه باعث شد همه مسلمانان نسبت به مساله فلسطین و ظلمی که در حق مسلمانان آن منطقه می‌شود آگاه شوند در ایران و در بحبوحه انقلاب ایران و در میان انبوه شعارهای انقلابیون نیز نمود داشته باشد و شعارهایی همچون «امروز ایران، فردا فلسطین» در خصوص مساله فلسطین ملاحظه شود.. شعاری که ریشه در عمق تفکر ضد صهیونیستی امام خمینی علیه السلام و یارانش در طول انقلاب و حتی بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشت.

به هر حال آزادی فلسطین و مسجد الاقصی به عنوان یکی از سرزمین‌های اسلامی که در اختیار یهودیان صهیونیسم به بهانه‌های واهی قرار داشت یکی از مسائل مهم جهان اسلام به شمار می‌رفت که همواره مورد بحث و توجه مسلمانان بوده است. این مساله در جهان اسلام از جمله مسائلی است که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام از جمله علمای شیعه و مخصوصاً امام خمینی علیه السلام بدون اتحاد جهان اسلام حل شدنی نیست. به عبارت دیگر آزادی بدون متحد شدن جهان اسلام امکان تحقق ندارد. بر این اساس می‌توان گفت یکی دیگر از دست‌آوردها و کارکردهای تحقق وحدت در جهان اسلام آزادی فلسطین و مسجد الاقصی خواهد بود مساله‌ای که امام خمینی علیه السلام در سخنان خود بارها به آن اشاره کردند و معتقد بودند که مسلمانان در صورت اتحاد حتی هر کدامشان با یک سطل آب می‌توانند اسرائیل را نابود کنند (صفا تاج، ۱۳۸۰: ۲۰۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۰).

جریان فلسطین را باید با عنوان ظلم جامعه جهانی بر علیه مسلمانان به حساب آورد چرا که بعد از جنگ جهانی دوم سازمان ملل متحد که در واقع برای تامین مصالح دولت‌های استعماری و استکباری شکل گرفته بود به تشکیل کشور اسرائیل رای مثبت داد. جالب این است که همه کشورهایایی که در این سازمان حق و تو داشتند برای تشکیل کشور اسرائیل رای مثبت دادند. در واقع آنان رای به تشکیل کشور اسرائیل در سرزمین‌های اسلامی دادند که این مساله از همان آغاز با مخالفت علما و اندیشمندان جهان اسلام و مقاومت مسلمانان به خصوص فلسطینیان شروع شد و اینگونه عملاً سناریوی جنگ احزاب تکرار شد و کل کفر با دیگر به این نحو در برابر کل اسلام قرار گرفت. مقاومت حول محور آزادی فلسطین و سازمان کنفرانس اسلامی در برابر اشغال فلسطین و قدس محور مبارزات اعراب و جهان اسلام پس از آتش زدن



مسجدالاقصی تشکیل گردید. چهار جنگ بین اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۳۳۵، (۱۹۴۸) ۱۳۲۷ (۱۹۶۷) ۱۳۴۶، (۱۹۵۶) و ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) اتفاق افتاد که تقریباً همه آنها منجر به شکست اعراب در برابر اتحادیه غرب صهیونیسم شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۸).

راه‌هایی که به علت خیانت برخی از سران عرب منطقه و تبانی آنها با اسرائیل عموماً به جایی ختم نمی‌شد و هر روز بر سخت شدن مسأله اسرائیل در فلسطین دامن می‌زد. این روند فرسایشی در خصوص جهان اسلام و مسأله فلسطین همینطور ادامه داشت تا اینکه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام به پیروزی رسید. در واقع شاید بتوان گفت آغاز حرکت آشکار امام خمینی علیه السلام بر مبنای اسلام سیاسی و اسلامی که باید در تحولات سیاسی کشورهای اسلامی و همچنین جهان نقش داشته باشد (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۹-۵) به نظر می‌رسد تلاش جدی امام خمینی علیه السلام از دهه چهل قرن چهاردهم هجری شمسی در این مهم و پایه گذاری موج بیداری اسلامی بر اساس رویکردی اسلامی سیاسی ایشان در ایران و جهان تاثیر بسیاری در روند تحولات رو به جلوی فلسطین و شکل‌گیری انتفاضه جدی و مبارزه بر علیه صهیونیسم داشت. چرا که هدف‌گیری کلی امام در مبارزه، رهایی ایران و جهان اسلام از قید سلطه و استکبار، اعاده عزت و عظمت مسلمین، تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای ارزش‌ها و مبانی اسلامی بود (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۸/۲۷۶-۲۶۷؛ ۱۵/۲۱۲؛ ۱۳/۱۹۷) که این هدف در ایران با مبارزه با رژیم ستم شاهی که نماینده کفر و استکبار جهانی در ایران بود عجین شده بود و در جهان با مبارزه با صهیونیسم و استکبار جهانی مخصوصاً آمریکا همراه شده بود. بر این اساس بدون تردید پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از جنبه‌های مختلف به تشدید مبارزات ضد صهیونیستی مسلمانان انجامید و روند مبارزه فلسطینی‌ها را دگرگون ساخت و به عبارتی ساده تر می‌توان گفت که به واقع سرنگونی شاه و حاکمیت نظام اسلامی در ایران نخستین ضربه مهلکی بود که اهداف توسعه طلبانه صهیونیست‌ها را به طور جدی به مخاطره افکند. چرا که رژیم شاه یک متحد نیرومند غرب و اسرائیل در منطقه حساس خاورمیانه به شمار می‌آمد که انقلاب اسلامی توانست عظمت این متحد نیرومند منطقه‌ای را بشکند.

در واقع افشای روابط پنهان و آشکار شاه با اسرائیل و مخالفت با کمک‌های بی‌دریغ رژیم شاه به دشمن مشترک مسلمانان یکی از انگیزه‌های قیام امام خمینی را تشکیل می‌داد. (همان، ۱۸۷/۵) امام خمینی علیه السلام در اوج قدرت نظام ستم‌شاهی، افشاگر روابط پنهان رژیم شاه و

اسرائیل بود و مقابله با خطر اسرائیل برای جهان اسلام را بسیار جدی و پیگیرانه دنبال می‌کرد. امام خمینی اولین مرجع تقلید و پیشوای بزرگ مذهبی بود که مجوز حمایت از مبارزان فلسطینی از محل وجوهات شرعی و زکوات و صدقات را صادر نمودند. و در جریان جنایت رژیم اشغالگر قدس در به آتش کشیدن مسجدالاقصی، برخلاف مشی دیگران که بازسازی مسجد را وجه همت خود قرار داده بودند، با دوراندیشی تمام بر حفظ آثار جنایت اسرائیل به عنوان عاملی سمبلیک در جهت تحریک و تشویق مسلمین بر علیه موجودیت مسبب اصلی جنایت؛ یعنی رژیم اشغالگر تأکید می‌نمود (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴-۵).

مساله فلسطین و صهیونیسم بعد از انقلاب اسلامی نیز با توجه به رویکرد امام خمینی علیه السلام و شاکله نظام جمهوری اسلامی ایران آنقدر جدی و مهم بود که این مساله گاهی اوقات در جنگ تحمیلی به عنوان انگیزشی برای رزمندگان جنگ حق علیه باطل عنوان می‌شود. این مساله را می‌توان در شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد» مشاهده کرد. علاوه بر این برخی از عملیات‌هایی که در طول جنگ تحمیلی انجام شد با عنوان بیت المقدس و دقیقا به یاد این سرزمین شکل گرفت. عملیات‌هایی که هدف آن ورود به خاک عراق بود (درویشی، ۱۳۸۶).

به هر حال آنچه روشن و مسلم است این مطلب است که فلسطین و آزادی آن و به عبارت دیگر مبارزه با صهیونیسم که هدف اصلی آن مبارزه با اسلام و از بین بردن اسلام بود یکی از اهداف مقدس امام خمینی علیه السلام و به عبارتی یکی از پایه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام بود. ویژگی خاص اندیشه امام خمینی علیه السلام در این خصوص این بود که ایشان به طرح و تبیین این مساله اکتفا نمی‌کردند و همواره برای حل این معضل بزرگ جهان اسلام راه‌های را پیشنهاد می‌کرد. مثلا ایشان یکی از راه‌های مبارزه با آمریکا و صهیونیسم را نفروختن نفت به این دو کشور و تحریم نفت علیه این دو کشور عنوان می‌کرد. ایشان در پیامی به دول و ملل اسلامی به مناسبت جنگ رمضان اعراب و اسرائیل در تاریخ ۱۳۵۲/۸/۱۶ به این مساله اشاره کردند و عنوان کردند «دولت‌های ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند، بعنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده، از فروش نفت به آن دولتهایی که به اسرائیل کمک می‌کنند خودداری ورزند» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۶/۱۹۷) یا در جایی دیگر فروش نفت را به این کشورها حرام عنوان کردند و فرمودند: «اسرائیل قیام مسلحانه بر ضد کشورهای اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام،

قلع و قمع آن لازم است. کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالف با اسلام است» (همان، ۱/ ۱۳۹) یا اینکه در جای دیگر فرمودند: «آیا جا ندارد که اعتراض کنیم: آقا نفت مسلمین را چرا به کفار می‌دهی، به کفاری که در حال جنگ و تجاوز به سرزمین و امت اسلام هستند» (همان، ۱/ ۱۶۵).

دیگر راه مهمی که ایشان همواره برای آزادی فلسطین و مبارزه با صهیونیسم عنوان می‌کردند وحدت جهان و بازگشت به هویت تمدنی اسلامی بود. در واقع امام خمینی علیه السلام وحدت جهان اسلام و شکل‌گیری امت واحده اسلامی را راهی برای پایان دادن به جنایات صهیونیسم علیه مسلمانان می‌دانستند. بر اساس آنچه در صحیفه امام در خصوص سخنان و پیام‌های امام خمینی گردآوری شده است به نظر می‌رسد فلسطین و مسائل مربوط به آن یکی از ارکان سخنان ایشان است به طوری که بیش از ۱۰۰۰ بار ایشان در این خصوص سخن گفته‌اند و از واژه‌ها و مفاهیم مربوطه به این مساله استفاده کرده‌اند که محتوای بسیاری از این سخنان مبارزه با اسرائیل و وحدت جهان اسلام در مقابل اسرائیل است. در یکی از این سخنان، امام خمینی علیه السلام در تاریخ نهم آبان ماه ۱۳۵۷ در جمع ایرانیان مقیم خارج از کشور از لزوم وحدت میان مسلمانان سخن گفتند و اختلافات در جامعه اسلامی را اساساً بر خلاف مصلحت مسلمانان و اسلام دانستند و تنها راه نجات فلسطین را وحدت مسلمانان عنوان کردند (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۴/ ۲۳۴).

ایشان طبق رویکرد سیاسی‌شان که عموماً نسبت به تحرکات و فعالیت استعمارگران در جهان اسلام ساکت نبودند در تاریخ دوم فروردین سال ۱۳۵۷ مصادف با حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان با محکوم کردن این جریان نسبت به سکوت دولت‌های اسلامی در مقابل این جریان اظهار تاسف کردند و عنوان کردند «اوضاع اسفناک لبنان و مصیبت‌های وارده بر برادران ایمانی مظلوم ما در ناحیه جنوب آن، موجب کمال تأثر و تألم است ... امید است سران دول اسلامی و خصوص دولتهای عربی، با وحدت کلمه، در دفع اسرائیل - این ماده فساد - کوشش کنند» (همان، ۳/ ۳۵۷).

امام خمینی علیه السلام بار دیگر در پیام خود به جنبش‌های آزادی‌بخش جهان در تاریخ ۴ آذر ماه ۱۳۵۸ با اشاره به این مطلب که جنبش اسلامی ایرانی یک جنبش ایرانی نیست بلکه یک جنبش اسلامی است از مسلمانان جهان خواست برای مبارزه با کفر و استعمار

کشورهای خود به این جنبش پیوندند و کشورهای خود را از جنگ و غارت استعمارگران و مستکبران جهان که در مقابل اسلام قد علم کرده‌اند بایستند (همان، ۱۱/ ۱۱۰) ایشان در این پیام خود بار دیگر بر این مساله تاکید کردند که وحدت کلمه و برخوردن همه مسلمانان راه نجات اسلام و فلسطین از شر صهیونیسم است.

یکی دیگر از مواردی که امام خمینی علیه السلام به صراحت با مساله اتحاد مسلمین و نجات فلسطین اشاره کردند در پیامی است که ایشان در ۲۵ فروردین ۱۳۶۱ به ملت مظلوم فلسطین دادند و در آن پیام به لزوم مبارزه علیه اسرائیل پرداختند. ایشان در این پیام با اشاره به اینکه مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست و یک مسئله مخصوص به یک کشور و یا یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجد الاقصی پی ریزی شد تا آن گاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است عنوان کردند «چه شرم آور است سکوت در مقابل این فاجعه بزرگ تاریخ ... اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراجگاه رسول ختمی صلی الله علیه و آله و سلم خروش بر آورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده‌اند و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده‌اند، با کدام عذر در مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می‌توان در این امر اسلامی بی تفاوت بود؟ ... باشد که فریاد همدردی آنان دولت‌ها را بیدار کند که از قدرت عظیم اسلامی استفاده کرده و دست امریکای جهانخوار، این جنایتکار تاریخ را که از آن طرف دریاها به پشتیبانی ستمگران، دست پلید اسرائیل را می‌فشارد قطع کنند» (همان، ۱۶/ ۱۹۱).

### نتیجه گیری

بر اساس آنچه گذشت می‌توان گفت تحقق وحدت در جامعه اسلامی و کشورهای مسلمان امری بسیار مهم و ضروری است چرا که این مساله باعث قدرتمندتر شدن کشورهای اسلامی و جهان اسلام می‌شود. ضرورت تحقق این وحدت از نظر بسیاری از اندیشمندان مسلمان مانند امام خمینی علیه السلام علاوه بر اینکه به دلیل جنبه‌های اعتقادی و دینی می‌باشد کارکردهای اجتماعی مهمی نیز می‌تواند در جهان اسلام ایجاد کند، کارکردهایی که همه آنها در راه تعالی اسلام و مصلحت مسلمانان می‌باشند.

کارکردهای اجتماعی تحقق وحدت آنقدر مهم‌اند که باعث شده‌اند این مساله یکی از

مهمترین مسائل جهان اسلام مطرح شود. یکی از این کارکردها نمایش قدرت اسلامی است که تبلور آن در حج قابل مشاهده است در واقع حج مراسم سالانه گردهم آیی میلیون‌ها مسلمان در حرمین شریفین و انجام مراسم عبادی سیاسی است که علاوه بر اینکه نقش بسیار مهمی در تحقق وحدت اسلامی دارد، شکوه و عظمتش نیز می‌تواند یکی از کارکردهای تحقق وحدت میان مسلمانان باشد. این مراسم به معنای اجتماع معنوی و باشکوه امت مسلمان از هر رنگ و نژاد و سرزمین و مذهب مختلف برای عرض بندگی به درگاه پروردگار یکتا با گفتار و کردار و ظاهر یکسان و عمل به سنت پیامبر واحد و طواف به گرد قبله مشترک و لَبَّيْكَ گفتن به ندای توحید در صفوف یکپارچه، بستری بسیار مناسب برای تحقق وحدت و شکل‌گیری امت اسلامی می‌باشد.

کارکرد اجتماعی دیگر وحدت، استقلال کشورهای اسلامی است. در واقع استقلال کشورهای اسلامی و به طور کلی اسلام یکی از مهمترین مبانی سیاسی اسلام است که همواره از آغاز اسلام مورد تاکید و توجه بوده است این تاکید و توجه را هم از عملکرد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌توان برداشت کرد هم در منابع و متون اصیل دینی همچون قرآن و سخنان آن حضرت. به هر حال رویارویی دار الاسلام با دار الکفر که از آغاز اسلام مورد توجه بوده است و همچنین قاعده اصیل نفی سبیل شواهد بسیار مهمی برای اهمیت و ارزش این مساله هستند. بر این اساس از نظر اسلام، جهان اسلام که به عنوان دار الاسلام مطرح است نیز باید با بالابردن قدرت خود مانع از نفوذ کفر و وابستگی اسلام به کفر و حتی غیر مسلمانان شود. به عبارت ساده تر کسب استقلال کشورهای اسلامی یا جهان اسلام به غیر از اتحاد کشورهای اسلامی محقق نخواهد شد و یکی از مهمترین کارکردها یا دست آوردهای اجتماعی وحدت کسب استقلال کشورهای اسلامی خواهد بود. مساله‌ای که با کلید واژه مبارزه با استعمار برای استقلال جهان اسلام و حتی همه کشورهای جهان یکی دیگر از ارکان اندیشه سیاسی اسلام نزد امام خمینی علیه السلام بود.

اما مساله دیگری که مشکل کنونی جهان اسلام است و مسلمانان جهان دهه‌های اخیر با آن مواجه بوده‌اند مساله فلسطین است مساله‌ای که از شکاف جهان اسلام حاصل شده است. شکافی که بعد از اشغالگری اسرائیل نیز به واسطه شیطنتها و تلاش‌های استعمارگران پر نشد و هنوز نیز به عنوان یک غده سرطانی در جهان اسلام خود نمایی

می‌کند. امام خمینی علیه السلام از مساله فلسطین به عنوان یک مساله روز و مهم جهان اسلام در مقابل با استکبار جهانی و استعمار نام می‌برد و همواره بر این مساله تاکید می‌کرد که اختلاف و عدم اتحاد جهان اسلام باعث ایجاد چنین جنایاتی در جهان اسلام است. ایشان برای آزادی فلسطین به عنوان یکی از کارکردهای اجتماعی وحدت بسیار تلاش کردند که وحدت جهان اسلامی را محقق سازند و همواره در سخنرانی‌های و پیام‌های خود به این مساله اشاره می‌کردند و حتی در برخی موارد این برای تهییج دولت‌های اسلامی در تحقق وحدت به این کارکرد وحدت تمسک می‌جستند.

به هر حال نکته مهمی که می‌توان از تحلیل سخنان امام خمینی علیه السلام در خصوص کارکردهای اجتماعی وحدت برداشت کرد این است که چون مهمترین کارکردهای اجتماعی مطرح شده در اندیشه امام خمینی علیه السلام مانند قدرت، استقلال و آزادی فلسطین سیاسی در راستای مصلحت اجتماعی مسلمانان هستند می‌توان گفت که وحدت مورد نظر امام خمینی وحدت سیاسی بوده است نه وحدت اعتقادی که از راه تقریب مذاهب حاصل می‌شود. بر این اساس کارکردهای مهم مطرح شده در اندیشه امام خمینی علیه السلام به خوبی توانسته است اندیشه وحدت سیاسی و نه اعتقادی و تقریبی نزد امام خمینی علیه السلام را نشان دهد وحدتی که در سایه همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان در کنار یکدیگر می‌تواند محقق شود.

### فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمدبن مكرم. (۱۹۸۷). *لسان العرب*. بيروت، موسسه الرساله.
۲. احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *حج در آینه روان‌شناسی*. قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳. آصف محسنی، محمد. (۱۳۸۶). *تقریب مذاهب از نظر تا عمل*. قم، نشر ادیان.
۴. آقا بخشی، علی اکبر. *افشاری راد، مینو*. (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران، چاپار.
۵. آقانوری، علی. (۱۳۸۷). *امامان شیعه و وحدت اسلامی*. قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۶. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۰). *فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای مد ظله العالی رهبر معظم انقلاب*، به کوشش سعید صلح میرزایی. تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۲). *لغت نامه دهخدا*. تهران، دانشگاه تهران، تهران.
۸. رنجبر، مقصود. (۱۳۸۱). *استقلال و ضرورت های جدید*. قم، بضعه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم.
۹. زحیلی، وهبه. (۱۹۳۲). *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*. بیروت، دارالفکر.
۱۰. سعید، بابی. (۱۳۹۰). *هراس بنیادین؛ اروپامداری و ظهور اسلامی گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی و موسی عنبری. تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم.
۱۱. شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۱). *جوان و بحران هویت*. تهران، انتشارات سروش. چاپ دوم.
۱۲. شکوری، ابوالفضل. (۱۳۶۱). *فقه سیاسی اسلام*. قم، نشر حر.
۱۳. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۸). *المجموعه الکامله لمولفات السید محمد باقر الصدر*. بیروت، دار التعارف المطبوعات.
۱۴. صفا تاج، مجید. (۱۳۸۰). *دانشنامه فلسطین*. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: موسوی همدانی سید محمد باقر. قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. علی بابائی، غلامرضا. آقایی، بهمن. (۱۳۶۵). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران، نشر ویس.
۱۷. فارسی، جلال الدین. (۱۳۷۴). *فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی*. تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام.
۱۸. قاضی زاده، کاظم. (۱۳۷۷). *اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی*. تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۹. گروهی از نویسندگان. (۱۳۶۲). *وحدت*. تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۶). *شرح دعای سحر*. تهران، انتشارات تربت، چاپ اول.
۲۱. \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۱). *کتاب البیع*. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول.
۲۲. \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۰). *صحیفه امام خمینی*، مجموعه پیام‌ها، بیانات و سخنرانی‌های امام خمینی علیه السلام. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۲۳. \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸). *جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی*. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). *فلسطین از دیدگاه امام خمینی* علیه السلام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). چاپ دوم.
۲۵. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴) *حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی، تبیان دفتر ۵۴*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۲۶. میکمل آندره، با همکاری هانری لوران. (۱۳۸۱). *اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی*. تهران، انتشارات سمت.
۲۷. درویشی، فرهاد. (۱۳۸۶). *جنگ ایران و عراق: پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.